



غایت کاری که فلسفه می تواند بکند آری گوپی به زندگی است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی گفت: غایت کاری که فلسفه می تواند در باب معنای زندگی کند، آری گوپی به زندگی است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی گفت: غایت کاری که فلسفه می تواند در باب معنای زندگی کند، آری گوپی به زندگی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، «معنای زندگی» در پنجمین برنامه سری جدید خود، شب گذشته، شنبه ۲۱ اردیبهشت، با اجرا و کارشناسی سید محمد تقی موحد ابطحی میزبان سید محمد تقی چاووشی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی بود تا به موضوع «نسبت میان فلسفه و معنای زندگی» بپردازند.

چاووشی در ابتدا به تعریف معنای زندگی پرداخت و گفت: مراد از معنای زندگی، چیستی زندگی است. اما از آنجا که زندگی جزو مفاهیم ما هوی نیست، تعریف ما هوی نیز نمی شود برایش ارائه کرد. از این رو ما ناگزیریم بیشتر به خود چیستی آن دقت کنیم. وقتی صحبت از چیستی می کنیم یعنی زندگی چگونه بنا می شود و پا می گیرد و قوام می یابد.

چاووشی معنای فلسفه را اینطور بیان کرد: پرسش از چیستی فلسفه، یکی از مهمترین پرسش هاست. فلسفه از دیدگاه من، بحث از بنیاد یک فرهنگ در دوره ای خاص، به نحو بنیادین است. پس فلسفه پرسش از بنیاد و مواجهه با بنیاد فرهنگ و ادب یک قوم است و اینکه این فرهنگ بر چه استوار است. فلسفه در هر دوره و برای هر قومی ظهورات خاص خود را دارد و اینگونه نیست که برای همه ادوار و فرهنگ ها یک ظهور داشته باشد.

وی در ادامه گفت: برای اولین بار در تاریخ فلسفه این ابن سینا است که تمایز بین الهیات به معنی اعم و معنی الاخص قائل می شود که موضوع یکی خدا و موضوع دیگری وجود است.

تفکر فلسفی نه تنها انتزاعی نیست بلکه انضمامیت سایر دانش های بشری هم به فلسفه بر می گردد و با فلسفه معنا پیدا می کند. فلسفه هست که اینها را پوشش داده و از آنها گزارش می کند. فیلسوف وقتی دوره ای و فرهنگی را بیان می کند، به همان میزان فرهنگ را برای عبور از دوره ای که درس هست آماده می کند. فلسفه وضع کنونی ما را روشن می کند.

چاووشی در مورد فلاسفه اسلامی اظهار داشت: انتزاعی بودن در سایه ی نگاه ما به کار فلاسفه شکل گرفته است، اما نفس کار فلاسفه اسلامی چنین نیست. فلسفه از فارابی تا صدرا، واقعاً گزارش فرهنگ انسان ایرانی اسلامی است. بنیادی ترین جایی که شما می توانید گزارشی از فرهنگ خودتان مطالعه کنید، فلسفه هست. فلسفه یک رشته دانشگاهی نیست. فلسفه، گوپی نوعی نحوه زیستن است و نمی توان از زندگی جدایش کرد.

وی ادامه داد: فارابی را بنده مبدا تاریخ انسان ایرانی اسلامی می دانم و تا صدرا این امتداد تاریخی را می توان دید. صدرا را نباید به قرن ۱۰ و ۱۱ محدود کرد بلکه باید در یک بسط تاریخی نگاهش کنیم. مکتب صدرا بعد از فوتش بسط پیدا می کند بنابراین نظام تفکری صدرا دیگر عوض نشده است. یعنی در بین فلاسفه بعد او، شما نمی توانید بحثی را پیدا کنید که از قالب مباحثات پیش از صدرا و نهایتاً صدرا خارج شده باشد و مبنای جدیدی را بنا کرده باشد. ما هنوز داریم ذیل تفکر صدرا زندگی می کنیم. این فیلسوف و فلسفه هست که دوره را نشان می دهد نه بالعکس. در تفکر صدرا هم انقلاب مشروطه بود و هم دوره های بعدی در بسط تفکر او وجود دارد. در بسط تاریخی تفکر صدرا، رفته رفته پتانسیل هایی آشکار شد که در آن دوره، در اندیشه ی خود صدرا مخفی بود، نه اینکه چیزی نبود و یک دفعه از غیب آمد یا از غرب آمد. مگر تفکر وارداتی یا صادراتی است؟ تفکر غربی تفکری است که در خود فرهنگ من و شما وجود دارد، نحوه ی زیست خود ما بوده و هست، ما خودمان غربی هستیم و اصلاً شرق نبوده و نیستیم و شرق نمی فهمیم. تفکر شرقی بخشی از هندوستان و تبت و شرق آسیاست که ما هر وقت هم خواستیم به آن نزدیک شویم دورتر شدیم.

چاووشی در پایان گفت: فلسفه در نسبت با زندگی صرفاً می تواند بنیادهایی برای زندگی ارائه کند و نشان دهد زندگی در این دوره بر چه چیزی استوار است. غایت کاری که فلسفه می تواند در باب معنای زندگی کند، آری گوپی به زندگی است.

برنامه «معنای زندگی» به تهیه کنندگی محسن کرمی، محصولی از گروه فرهنگ و اندیشه شبکه ۴ سیما است که در ماه رمضان هر روز ساعت ۱۹ راهی آنتن می شود.